

آشنایی با مصححان و محققان

علامه محمد قزوینی

جبریل شادان

اگر چه فرایند ورود شیوه‌های جدید نقد و تصحیح متون به ایران، فرایندی در درازنای زمان و منوط به همت کسان بوده و نمی‌توان بازگشت آن را به یک تن تنها فرض نمود، براستی علامه محمد قزوینی را می‌توان «سرسلسله مصححان معاصر» نامید؛ مردی که به سبب دقت فوق‌عادتش در کار علمی، به یک اسطوره در اذهان نسله‌ها بدل گردیده است.

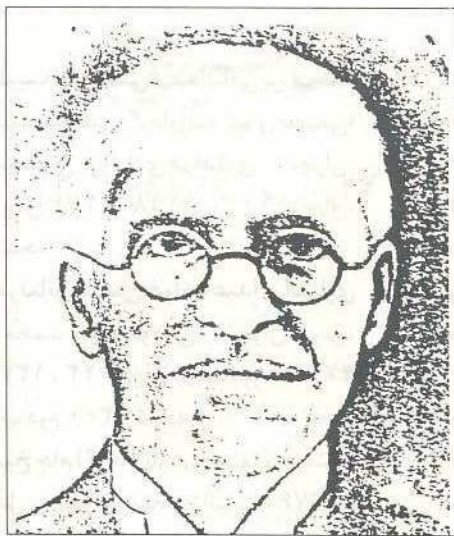
وی در پانزدهم ربیع‌الاول سال ۱۲۹۴ هـ. ق در محله دروازه قزوین تهران زاده شد. پدرش عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی از گردآوردگان چهارگانه نامه دانشوران ناصری بود که تا سال ۱۳۰۶ هـ. ق در حیات بود و محمد قزوینی در ایام تحصیل از مختصر مستمری که پدر از بابت عضویت دارالتألیف و دارالترجمه عهد ناصری داشت، معیشت می‌کرد.

محمد قزوینی از خردی به تحصیل دانشهای طلبگی همت گماشت و محضر بزرگانی چون شیخ فضل‌الله نوری و شیخ هادی نجم‌آبادی را درک کرد. بدین ترتیب توفیق یافت ادبیات تازی و فقه و اصول و کلام و حکمت قدیم را بیاموزد و بویژه دانش فراوان

در زبان و ادب تازی بیبندوزد و تا آخر عمر به تازی دانی و تازی پژوهی نامور باشد.

در ۲۸ سالگی از راه روسیه و آلمان و هلند به لندن رفت، و حضورش در فرنگ، مقدمه‌ای برای پیشرفته‌ها و آوازه کم ماندش در میان اهل پژوهش گردید.

نخستین کار متن شناسانه جدی او را، نگارش مقدمه‌ای بر تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری در ۱۳۲۳ هـ. ق، باید دانست و سپس نگارش مقدمه‌ای بر دفتر یکم لباب الالیاب عوفی که ادوارد براون تصحیح کرده بود.



او خود موفق شد مرزبان نامه سعدالدین وراوینی و المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی و چهارمقاله نظامی عروضی را طی سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ هـ. ق. منتشر سازد و درین روزگار وی ساکن پاریس بود.

سه جلد جهانگشای جوینی را که تصحیح و طبع آن سالها به طول انجامید، در ایام حضور در پاریس و سپس آلمان به طرز عجایب انگیز و وسواس آمیز آماده نشر ساخت و برای این کار دشواریهای بسیار به جان خرید.

در سالهای سکونت در فرنگ با ارسال عکس برخی نسخ نفیس خطی - که نشرشان مفید به نظر می‌رسید - به ایران، مایه خدمات شایسته‌ای به فرهنگ این بوم و بر گردید. این سالها که با جنگ جهانی هم قرین بود، هرچند بر قزوینی آسان نگذشت، به سبب آشناییش با خاورشناسان و خاورشناسی نوین، برکت فراوان داشت و در شکلگیری شخصیت علمی وی سخت مؤثر واقع گردید. به سال ۱۳۵۸ هـ. ق. قزوینی به تهران آمد و با فعالیتهایی چون تصحیح و نشر دیوان حافظ - با همکاری دکتر قاسم غنی -

و تصحیح شدالآزار - با کمک عباس اقبال - به روند پژوهشگرانه کار خود ادامه داد. او همچنین مقدمه شاهنامه ابومنصوری را - که از قدیمترین نمونه‌های برجای مانده نثر فارسی دری است - تصحیح و منتشر کرد.

سرانجام در روز جمعه ششم خردادماه ۱۳۲۸ هـ. ش. در تهران پیش چشم زن و یگانه دخترش جان سپرد و روز یکشنبه هشتم خرداد در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی (مجاور زاویه حضرت عبدالعظیم) به خاک سپرده شد. به قول

کارنامه قزوینی - چه متونی که تصحیح و تحشیه کرده و چه مقالاتی که تألیف و منتشر نموده - گواه راستین فضل و دانش بیکران اوست و آینه بی زنگار قلم زدن در مکتب دقت. از خود او نقل کرده اند که اگر می خواست سوره «قل هو الله» را جایی بنویسد، قرآن را می گشود و رونویس می کرد!

البته نباید پنداشت که بدین ترتیب کارنامه او، از هر گونه سهو و زلت بری است! چه در همین دیوان حافظ پرآوازه تصحیح آن فقید دهها اختلاف خرد و کلان با نسخه اساس تصحیح (نسخه خلخالی) یافته اند! به هر روی، محمد قزوینی، در ابعاد انسانی حیاتش، و بی آنکه بخواهیم از وی چهره ای افسانه ای بسازیم، آیتی از دقت و حوصله در کار بوده است؛ چنان که تصحیح و تحشیه و طبع تاریخ جهانگشای جوینی به دست او، ۲۵ سال به درازا کشید. از ثمرات همین وسواس عالمانه او بود که بیشترین متون تصحیح شده بردست وی، از بهترین و ممتازترین نمونه های نقد و تصحیح

به یقین قزوینی و طریقه عالمانه ای که در کار متن شناسی داشت، بزرگانی چون فروزانفر، بهار، دهخدا، اقبال آشتیانی، مینوی و... را متأثر ساخت و از این جهت او حق بزرگی برگردن تحقیقات متن شناسی فارسی دارد.

دکتر قاسم غنی، طبیب ادیب و همکار علمیش در تصحیح دیوان حافظ، او را چنین می ستاید: «مرحوم قزوینی روش تدقیق و نقد ادبی را به معاصرین خود آموخت؛ آفتاب فیاض با برکتی بود که هر کس را مستعد می دید به تربیت و ارشاد او می پرداخت...». سیمای اجتهاد متن شناسانه قزوینی را نه تنها در متونی که خود او تصحیح کرد بلکه در مقالات و رسائل او نیز باید جست. به عنوان نمونه، «خاتمة الطبع» پُرجمی که برای طبع قدیم تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی نوشته، شاهکاری از نوادر پژوهش در روزگار اوست.

حقیقت این است که علامه محمد قزوینی خود استعداد بدل شدن به یک سیمای اسطوره ای در عالم پژوهش را داشت و چنین شد!



آثار علامه قزوینی

- | | | |
|--|--|--|
| ۱. طبع و تصحیح مرزبان نامه | محمود شیرازی در حدود سنه ۷۹۱ | الی الترسل، عتبه الکتبه، زین |
| ۲. طبع و تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم | ۷. بیست مقاله جلد اول | الاحبار، تتمه صوان الحکمة، مونس |
| ۳. طبع و تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی | ۸. بیست مقاله جلد دوم | الاحرار، دواوین شعراء سته، حدود العالم، سمط العلی، منافع حیوان |
| ۴. طبع و تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی | ۹. مقدمه تذکرة الشعراء عوفی موسوم به لباب الالباب | ۲۴. طبع و تصحیح مقدمه قدیم شاهنامه |
| ۵. طبع و تصحیح دیوان حافظ شیرازی | ۱۰. رساله ای در شرح حال مسعود سعد سلمان شاعر معروف معاصر غزنویه | ۲۵. مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفثة المصدور |
| ۶. طبع و تصحیح کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار در مزارات شیراز تألیف معین الدین جنیدبن | ۱۱. مقدمه تذکرة الاولیاء شیخ عطار | ۲۶. رساله ممدوحین سعدی |
| | ۱۲-۲۳. مقدمه های دوازده کتاب ذیل: مجمل التواریخ، کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، تاریخ بیهق، التوسل | ۲۷. رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح رازی |